

## ملاقات های محرمانه و سؤال بر انگیز نادر خان و برادرانش باسفرای انگلیس (از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

از لابلای اسناد آرشیف انگلستان بمشاهده میرسد که نادر خان و برادرانش، هاشم خان، شاه محمود خان و شاه ولیخان با سفرا و نمایندگان عالیرتبه انگلیس هم در داخل و هم در خارج از افغانستان ملاقات های غیرعادی، محرمانه و سؤال برانگیز داشتند. درین زمینه میتوان از چند ملاقات مهم آتی یادآور شد:

1. ملاقات ۱۳ جون ۱۹۲۳ م سپه سالار نادر خان با سفیر انگلیس در کابل . (مراجعه شود به «سوابق روابط و تعهد سپه سالار نادرخان به همکاری با انگلیس ها» مضمون ۲۴ نومبر ۲۰۲۱ ازین قلم).
2. ملاقات ۴ اپریل ۱۹۲۴ سپهسالار نادر خان با سفیر انگلیس همفریز در کابل . (مراجعه شود به «تعجب سفیر انگلیس، افشای راز مهم و بهائی که سردار نادر خان در رابطه همکاری با انگلیس ها پرداخت» مضمون ۲۶ نومبر ۲۰۲۱ ازین قلم).
3. ملاقات ۱۰ جنوری ۱۹۲۶ سردار نادر خان با رابرت هوجسن، سفیر انگلستان در مسکو که مصروف دیدار از فرانسه بود. (مراجعه شود به «پیشکش یک قسمت خاک افغانستان روسط سردار محمد نادرخان به انگلیس ها» مضمون ۲۲ نومبر ۲۰۲۱ ازین قلم).
4. ملاقات های محرمانه هاشم خان با دیپلمات های انگلیسی و سفیر انگلستان در روسیه ، دورانی که سفیر برحال افغانستان در مسکو بود. درین رابطه قسمت های از راپور مؤرخ ۱۷ نومبر ۱۹۲۶ نمایندگی انگلستان در مسکو را نقل میکنیم : «محمد هاشم خان سفیر افغانستان برای یکی دو روزی برگشته است تا ترتیبات قبل از رفتن دایمی از مسکو را بگیرد... رفتن محمد هاشم از مسکو بسیار تأسف آور است. او در مدت دوسالی که در مسکو بود، با نمایندگی [انگلستان] وضعیت بی نهایت دوستانه داشته، در مواقعی شخصاً به من بسیار کمک کرده است... بنظر میرسد که این دوبرادر [محمد هاشم خان و محمد نادرخان] از مدت زیادی بدینسو در رابطه با فرستادن جوانان برای تحصیل در خارج، با [حکومت] کابل اختلاف دارند... محمد هاشم خان در اشاره با نارضایتی روزافزون و عدم رضایت در افغانستان گفت که من فکر میکنم بزودی انقلابی رخ خواهد داد... او پیشنهاد سفارت ایران را پذیرفته است. او در آنجا دوستی بنام **میر فریزر** دارد [این شخص فریزر تیتلر بعداً در عهد محمدنادرشاه بحیث سفیر انگلستان در کابل تعیین شد]. در ارتباط نزدیک با کشور خودش، او خواهد توانست جریان اوضاع را از آنجا تعقیب نموده و آماده است در هر موقعی معلومات را به اختیار آقای کلایف Clive قرار دهد. او در رابطه با جانشین خود [میرزا محمد خان سفیر جدید افغانستان در مسکو] هوشدار داد که نباید راجع به مطالب محرمانه با او صحبت کنم.» (اسناد محرمانه آرشیف انگلستان، مکتوب شماره ۸۳۳، مؤرخ ۱۷ نومبر ۱۹۲۶، هوجسن سفیر انگلستان در مسکو به وزارت خارجه. L/P&S/10/1203).
5. ملاقات ۲۸ فیروری ۱۹۲۹ نادرخان و برادرانش با همفریز در پشاور. (مراجعه شود به «نهایی شدن پلان نصب کردن شاه آینده در ملاقات سردار نادرخان با سفیر همفریز در پشاور» مضمون ۹ دسمبر ۲۰۲۱ ازین قلم).

From AFGHANISTAN.  
 Decypher. Sir P. Humphrys (Kabul)  
 8th February 1929.  
 D. 9th February 1929.  
 R. 5.15 p.m. 9th February 1929.  
 No. 166.  
 xxxxxxxxxx  
**IMPORTANT.**  
**Part I.**  
 GR. 221. General Shah Mahmud, younger (? brother of omitted) Nadir Khan, visited me on evening of February 6th and stayed six hours. He said that he would leave next day for a tour of southern and eastern provinces where he was being sent by Habibulla to induce the tribes to stop fighting and agree to an early conference to elect a King who would be acceptable to Afghan nation.  
 He said that he had been private secretary for last few days to Habibulla who, though illiterate, was just and had great strength of character. He compared Habibulla coup to that of Reza Shah but thought that Habibulla could not last. He felt sure that (? Habibulla) would be quite prepared to surrender throne to an Afghan nobleman generally approved by tribes provided that he was not a member of Ammulla's family.

6. ملاقات ۶ ساعته شبانه ۶ فیروزی ۱۹۲۹ شاه محمود خان با همفریز سفیر انگلیس در کابل. شاه محمود خان درین ملاقات به سفیر انگلیس گفت که درین چند روز آخر بحیث منشی خصوصی حبیب الله کلکانی کار کرده و از طرف او مأمور شده است تا فردا برای تشویق اقوام به صلح به ولایات مشرقی و جنوبی سفر کند. به عقیده شاه محمود خان جلوگیری از وخامت اوضاع و خطر تخریب سفارت انگلیس یا به عبارت دیگر همه چیز به آمدن هر چه زودتر نادرخان و برادرانش بستگی دارد. (اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۶۶ مؤرخ ۸ فیروزی ۱۹۲۹ م سفیر کابل به وزارت خارجه انگلستان).

7. ملاقات ۶ مارچ ۱۹۲۹ نادرخان و برادرانش در وزیرستان با مکوناچی (شارژدافیر قبلی سفارت انگلیس، پولیتیکل ایجنت وزیرستان و سفیر بعدی انگلیس در کابل). (اسناد آرشیف هند بریتانوی، یادداشت شماره ۲۱۸ مؤرخ ۹ مارچ ۱۹۲۹ مکوناچی به کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی در پشاور).

این ملاقات های طولانی و شبانه بعد از نان شب، خارج از ساحه ملاقات های رسمی و کاری، آنها را به موضوعات حساس کشور، با دشمن شناخته شده مردم ما و رژیم امانی، ملو از خوش خدمتی و تملق، و مشوره/هدایت خواستن راجع به اقدامات بعدی را چه میتوان نامید؟ شاید علاقمندان تاریخ معاصر کشور اگر تا هنوز جواب این سؤال را از لایلای اسناد نشر شده آرشیف انگلستان نیافته باشند، در اسناد آینده بروشنی دریابند.

استفاده از اسناد آرشیف انگلستان توسط مؤرخین

از جمله مؤرخین و محقیقینی که از اسناد محرمانه مربوط به هند بریتانوی در آرشیف انگلستان استفاده بیشتر نموده اند میتوان از خانم ریه تالی ستیوارت (نویسنده کتاب آتش در افغانستان)، لیون پولادا (نویسنده کتاب اصلاحات و اغتشاشات در افغانستان)، لودیوگ آدمک (نویسنده کتاب های متعدد، بشمول کتاب روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست)، آستا اولس (نویسنده کتاب اسلام و سیاست در افغانستان، خانم سنزل نوید (نویسنده کتاب واکنش های مذهبی به تحولات اجتماعی) نام برد.

این قلم نیز در تحقیقات آتی از اسناد این آرشیف استفاده نموده است :

1. جنگ استرداد استقلال افغانستان: جبهه فراموش شده چترال و کنر (حقایق نهفته و حرف های ناگفته جبهه چهارم (چاپ سال ۲۰۰۷ م))
2. په آزاد سرحد کی خپلواکی غوښتونکي مبارزې او د مومندو په مشهورو غزاگانو کې د غازي ميرزمان خان ونډه (چاپ سال ۲۰۱۰ م)
3. بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس (چاپ سال ۲۰۱۳ م)
4. مروری بر کتاب دوره امانی پوهاند کاکړ (چاپ سال ۲۰۱۵ م)
5. مرور کوتاهی بر زندگی و مبارزات غازي ميرزمان خان کنری (چاپ سال ۲۰۱۷ م)
6. قیام سال ۱۳۲۴ صافی های کنر (چاپ نشده)
7. سلسله مقالات د یوه افغان لخوا د پاکستان د لومړني صدراعظم د وژل کیدو د معما په هکله

قابل یادآوریست که به استثنای راپور های هفته وار استخباراتی که توسط شعبات مختلف استخباراتی انگلیس ها در منطقه جمع آوری میشدند، و در یک بخشی از آرشیف مربوط هند بریتانوی موجود اند و بعضاً به سه کتگوری تثبیت شده، تأیید نشده و مشکوک نشانی شده اند، باقیمانده آن مانند مکاتیب رسمی، یادداشت های ملاقات ها و جلسات، دکشنری های جغرافیوی، راپور های نظامی، کتب مسیر راه ها، اسناد مربوط به سرحدات، راپور های سالانه و غیر، اسناد دست اول بوده که در تحقیقات تاریخی و بازنگری رویداد های تاریخی بسیار مهم شمرده میشوند.

سفرها و مامورین عالیرتبه عسکری و ملکی ایکه از ملاقات های خود به وزارت خارجه انگلستان، پارلمان آنکشور، وزارت امور هند بریتانوی، گورنر جنرال و وایسرای هند بریتانوی، کمشنران عالی ایالات و غیره گزارش داده اند، نقش های مهمی را نه تنها در تدارک پالیسی های استعماری بریتانیای کبیر در نیم قاره هند، بلکه پیاده نمودن آن پالیسی ها نیز داشته اند. نمیتوان گفت که این مسؤولین و مامورین عالی مقام انگلیس به دولت های خود گزارش های دروغین و گمراه کننده داده باشند.

جا دارد درینجا با تشکر از خوانندگان محترمی که با موضوع ملاقات های محرمانه سردار نادرخان با سفیر انگلستان و بخصوص ملاقات های سال ۱۹۲۴ (آغاز اغتشاش منگل) علاقه گرفته اند، به جواب سؤالاتی از برادر دانشمند محترم جناب الله محمد خان بپردازم، که در رابطه با منابع مقاله «نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان (بخش بیست و پنجم)» از قلم جناب داکتر صاحب سید عبدالله کاظم، به من راجع ساخته اند:

الف - ریفرنس فصل چهاردهم کتاب خانم ریه تالی ستیوارت: محترم الله محمد خان به نکته مهمی اشاره کرده اند که «خانم نویسنده در اخیر کتاب خود منابع هر فصل را ریفرنس می دهد، اما متأسفانه در اخیر کتاب منبع فصل چهاردهم را ریفرنس نمی دهد و فقط بالا و پاهین یعنی سیزدهم و پانزدهم را ریفرنس می دهد که به نظر بنده یک فصل مهم برای دادن ریفرنس میباشد».

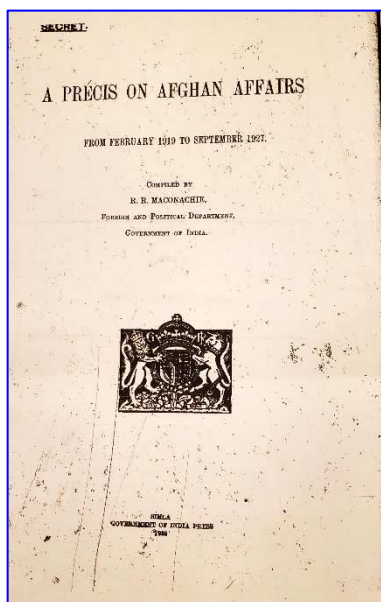
اگر محترم الله محمد خان به جستجوی ریفرنس دیدار تاریخ ۴ اپریل ۱۹۲۴ سپه سالار نادرخان با همفریز سفیر بریتانیه در کابل باشند، من با آن منبع آشنائی داشته و از آن استفاده نموده ام. منبع مذکور «گزارش شماره ۵۲ مورخ ۱۷ اپریل سال ۱۹۲۴ م همفریز سفیر انگلستان در کابل به لارڈ کرزن» میباشد. کرزن قبلاً برای دو دوره گورنر جنرال و وایسرای هند بریتانوی بوده و از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴ بحیث وزیر خارجه نقش مهمی در تدوین پالیسی های استعماری بریتانیا داشت.

ب - استفاده آدمک از کتاب آتش در در افغانستان: اینکه آدمک باید کتاب "آتش در افغانستان" را خوانده باشد و همین ملاقات سفارت را از کتاب خانم استوارت گرفته و در کتاب «روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست» نقل کرده باشد، از امکان بعید بنظر میرسد:

— اگر آدمک کتاب آتش در افغانستان را خوانده باشد یا نباشد، درینجا مهم نیست. چون با مقایسه دو ریفرنس ذکر شده در دو کتاب (کتاب ستیوارت، ریه تالی: «آتش در افغانستان ۱۹۱۴-۱۹۲۹»، بزبان انگلیسی، چاپ دوم، ۲۰۰۰، ۲۵۲-۲۵۵ و کتاب آدمک «روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست»، مترجم محمد فاضل صاحبزاده، پشاور ۱۳۷۷، صفحات ۱۴۴-۱۴۵)، بمشاهده میرسد که این دو ملاقات بصورت جداگانه در همان ماه اپریل ولی در شب های مختلف صورت گرفته است. در کتاب ستیوارت به تاریخ مشخص ۴ اپریل ۱۹۲۴ اشاره شده است، اما آدمک تاریخ مشخص را ذکر نکرده و تنها به ملاقات ماه اپریل اشاره میکند.

— محتوای گزارش هر دو ریفرنس با هم تفاوت دارند، و موضوع صحبت ها هم متفاوت میباشند.

- در دو کتاب مذکور از دو ریفرنس و منبع مختلف استفاده شده است. ریفرنس کتاب آدمک به حواله صفحه ۸۷ کتاب انگلیسی (ریفرنس های شماره ۲۳ و ۲۴) A Précis on Afghan Affairs از سال فبروری ۱۹۱۹ تا سپتمبر ۱۹۲۷ میباشد که توسط میکوناچی در دیپارتمنت امور خارجه و سیاسی حکومت هند بریتانوی گردآوری شده است.
- برای مقایسه بیشتر به عکس های ذیل مراجعه کنید، از مقایسه این عکس ها بمشاهده میرسد که نه تنها آدمک با کمال امانتداری آن بخش را از مرجع اصلی آن نقل نموده، بلکه ترجمه دری کتاب توسط محترم محمد فاضل صاحبزاده هم



In March 1924 rumours began to be heard of trouble in Khost.

The situation was probably not much exaggerated by S. Nadir Khan in conversation with the British Minister on April 4, 1924 :-

'First, the Amir had tried to push through his reforms far too precipitately. Afghans as a race were fanatical, bigoted and conservative, and it was unsafe to ride roughshod over their cherished customs and attempt to drag them into civilisation on the European standard. It was commonly believed by the people that the new Administrative Code violated the canons of Islamic law, and it was therefore extremely unpopular with the Mullahs and the orthodox party. Yet the Code had been suddenly introduced without any attempt being made to explain away doubts as to its validity..... Hatred and contempt for the Turks, on account of their treatment of the Caliphate question, was now general throughout Afghanistan, and the reforms connected with Jemal Pasha's name were for this reason still more suspect than before. (It is a matter of common knowledge that the Code was drafted by Bedri Bey, one of Jemal Pasha's following.)

Then again, he said, there might be seen any day in the streets of Kabul dozens of foreign doctors and engineers strolling idly about without employment..... There was no programme for the engineers, no plans to work on, and no tools to work with. Education was being run on the most haphazard lines, and money was being poured out like water..... Meanwhile the Army had been ruthlessly cut down, and the power of the State was scarcely able to cope successfully with the disorders which had arisen in the Provinces.'

ریفرنس اصلی در آرشیف انگلستان

با دقت صورت گرفته است.

that shielded the modern houses of wealthy Kabulis from the view of the public. Amanullah's decrees prohibiting the uses of gold and silver ornaments and the consumption of opium gave an indication of what was in store. Many in Kabul were concerned, and in April 1924, the British minister in Kabul reported the views of Nadir Khan, the subsequent Afghan king, giving the following opinion:

The Amir had tried to push through his reforms far too precipitately. Afghans as a race were fanatical, bigoted, and conservative, and it was unsafe to ride roughshod over their cherished customs and attempt to dragoon them into civilization on the European standard. It was commonly believed by the people that the new Administrative Code violated the canons of Islamic law, and it was therefore extremely unpopular with the Mullas and the orthodox party. Yet the Code had been suddenly introduced without any attempts being made to explain away doubts as to its validity. . . . Hatred and contempt for the Turks, on account of their treatment of the Caliphate question, was now general throughout Afghanistan, and the reforms connected with Jemal Pasha's name were for this reason still more suspect than before.<sup>23</sup>

The presence of so many highly paid Europeans was bound to be considered by some as an extravagance, especially when, in the words of Nadir Khan,

there might be seen any day in the streets of Kabul dozens of foreign doctors and engineers strolling idly about without employment . . . . There was no programme for the engineers, no plans to work on, and no tools to work with. Education was being run on the most haphazard lines, and money was being poured out like water. . . . Meanwhile the Army had been ruthlessly cut down, and the power of the State was scarcely able to cope successfully with the disorders which had arisen in the Provinces.<sup>24</sup>

صفحه ۸۷ کتاب آدمک بزنان انگلیسی

(پایان)